

بسیج اینترنتی؛ شیوه نوین جذب نیروهای مردمی*

نویسنده: آدری کورت کرونین

ترجمه: دکتر ناصر بلیغ

فصلنامه مطالعات بسیج، سال نهم، شماره ۳۳ زمستان ۱۳۸۵

چکیده

رشد ارتباطات در جهان در حال توسعه، نمایانگر نیروی کلیدی گسترش جهانی اینترنت است. اینترنت و فن‌آوری‌های مرتبط با آن نمود ارتباطات کم هزینه و بسیار منظم و قاعده‌مند است که در میان افراد جامعه محبوبیت دارد. دسترسی افراد و گروه‌های کوچک و سیاسی بسیج‌گر به شبکه اینترنتی همراه با فن‌آوری‌های قدیم و جدید، آنها را صاحب اقتداری نامتناسب با جایگاه آنها می‌کند از سوی دیگر، در حال حاضر اقتصاد و امنیت ملی غرب و به ویژه آمریکا، کاملاً وابسته به فن‌آوری اطلاعات و زیرساخت اطلاعاتی است که با رشد فزاینده اینترنت در جهان، امنیت آن پیوسته در حال تنزل است. مقاله حاضر ضمن بررسی اهمیت و قابلیت‌های اینترنت، به پیامدهای آن در عرصه جامعه و جنگ می‌پردازد.

واژگان کلیدی

بسیج، اینترنت، نیروهای مردمی، جنگ، شورش

*. Audrey Kurth Cranin "Cyber-Mobilization; the New levee en Masse" Parameters. Summer 2006. PP.77-87.

مقدمه

ابزارها و اهداف بسیج عمومی در حال تغییرند و با رویکرد سنتی حکومت محور، که شاخصه انقلاب فرانسه بود، تفاوت دارند. لذا جهان غرب تنها می تواند به نتایج این تغییر واکنش نشان دهد. تحولات پویای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امروز به اندازه تغییرات پایان قرن هجدهم میلادی که کلازویتز^۱ به آنها اشاره کرد، برای جنگ اهمیت دارند. مهم ترین آنها شیوه نوین جذب نیرو در قرن ۲۱ است. بسیج عمومی دارای یک شبکه ارتباطی است که از فضای سبیرنتیک سرچشمه می گیرد و تأثیری مستقیم روی واقعیت مادی (بیرونی) دارد. شبکه های ارتباطی معمولی در دسترس افراد، مانند رایانه های شخصی، DVDها، نوارهای ویدئو و تلفنهای ماهواره ای، ماهیت تعامل اجتماعی انسانی را تغییر می دهند، و بدین ترتیب، بر شکل و نتیجه منازعات بین المللی و داخلی هم تأثیر می گذارند.

این تحول، گرچه هنوز در مراحل اولیه است، ولی تأثیر روزافزونی بر چگونگی هدایت نبرد خواهد داشت؛ از گسترش جهانی حملات تروریستی تحت تأثیر اندیشه های مختلف تا تکامل سریع تاکتیکهای شورشیان در عراق، تا شورشهای فرانسه و حتی فراتر از آن. ماهیت جهانی غیر سرزمینی عصر اطلاعات تأثیر تغییردهنده بر تکامل گسترده نزاع و درگیری دارد و ما از آن غافلیم.

ما در حال ورود به دوران بسیج اینترنتی هستیم. اما مسیر فعلی ما تنها امکان واکنش به آثار آن را به ما می دهد.

چشم انداز تاریخی جذب نیروهای مردمی در انقلاب فرانسه

انقلاب فرانسه نشانه آغاز عصر نیروهای مدرن بود که شاخص آن، ظهور یک تغییر بنیادی از نبردهای میان شاهان کشورها به مشارکت عمومی مردم در جنگهای ملی بود. اگر چه پیمان و ستفالیآ^۲ در سال ۱۶۴۸ را اغلب به عنوان نقطه شروع مفهوم دولتهای مستقل ذکر می کنند، اما انقلاب فرانسه آغاز حقیقی انسجام این مفهوم، با انحلال رسمی امپراتوری روم در نتیجه فتوحات ناپلئون در سال ۱۸۰۶، محسوب می شود.

1. Clause Witz.
2. West Phalia.

ویژگی‌های جنگ دائماً در حال تغییر است؛ جنگل انقلابی در آمریکا (جنگ داخلی) با بسیاری از احساسات ضد استبدادی محرک انقلاب فرانسه همراه بود. اما همان طور که در نامه جورج واشنگتن انعکاس یافت، بدون نهادهای ملی برای پشتیبانی از ارتش، مشکل بسیج و هدایت امکانات، دشواری‌هایی را برای کوششهای جنگی استعمارگران در آمریکا پدید آورد. عنصر کلیدی در استقرار قطعی حکومت‌های جدید در غرب و نقطه عطف تکامل جنگ‌های مدرن، ارتباط و پیوند حکومت با ارتشهای مردمی بود که در قلب آن ارتش جدید، جذب نیروهای مردمی قرار داشت.

کلمه فرانسوی Levee در این زمینه دو مفهوم دارد؛ هم به معنای «سربازگیری اجباری» و هم به معنای «خیزش یا قیام» که هر دو برای درک ماهیت جذب نیروهای مردمی و رابطه آن با تغییرات چشمگیری که در جنگ در آن زمان رخ داد، اهمیت دارند. این کلمه در مفهوم اول خود، به فرمان مجلس ملی فرانسه در ۲۳ اوت سال ۱۷۹۳ اشاره دارد که بر مبنای آن، همه مردم باید در خدمت جنگ قرار می‌گرفتند. در نتیجه، تمامی مردان مجرد ۱۸ تا ۲۵ ساله ملزم بودند که به ارتش بپیوندند. جمعیت فرانسه در آن زمان تنها از جمعیت روسیه کمتر بود؛ بنابراین می‌توانست بسیج نظامی عظیمی را پشتیبانی کند. در سپتامبر سال ۱۷۹۴، جمهوری فرانسه از کل جمعیت ۲۵ میلیون نفری خود ۱/۱۶۹/۰۰۰ سرباز گرفته بود. برای مقایسه باید اشاره کرد که جمعیت کنونی فرانسه ۶۱ میلیون نفر است و حدود ۱۳۴/۰۰۰ نیروی مسلح دارد. درصد جمعیت بسیج شده در جریان جنگ‌های انقلاب فرانسه در اروپای سابقه بود و این خود یک موفقیت انقلابی بود. بنابراین این کلمه به لحاظ لغوی در مفهوم اول خود، به هدف بسیج توده‌ها اشاره دارد که عبارت است از: تأمین تعداد زیادی سرباز مورد پشتیبانی مردم.

ناپلئون، با تمام نبوغ خود به عنوان ژنرال، بدون مشارکت گسترده مردم فرانسه - هم سربازان جوان و هم نیروی کار غیر نظامی - و توانایی خود برای به خدمت گرفتن این نیروی عظیم در ارتش، نمی‌توانست آن تغییرات وسیع را در سرزمینهای اروپایی پدید آورد. تعداد سربازان در استراتژی ارتش فرانسه بسیار مهم بود؛ زیرا به آنها کمک می‌کرد همزمان در چندین جبهه عمل کنند و تلفات جبران‌ناپذیری را به نیروهای دشمن وارد سازند. فرانسوی‌ها معمولاً با داشتن برتری از نظر تعداد در نبردها پیروز می‌شدند.

آنها با این برتری ناپلئون را به پذیرش ریسکهای بزرگ‌تر، ورود به نبردهای بیشتر، گسترش نیروها در قلمروی گسترده‌تر و تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی خطرناک‌تر قادر ساختند. مخالفان ناپلئون به زودی راه مقابله با انبوه سربازان او را دریافتند که نتیجه آن، افزایش قابل توجه تعداد متوسط سربازان درگیر در نبردهای اروپایی بود؛ از حداکثر ۶۰ تا ۸۰ هزار سرباز در میدان نبرد در اواسط قرن هفدهم، تا مجموع ۲۵۰ هزار (واگرام، ۱۸۰۹؛ بورودینو، ۱۸۱۲) یا حتی ۴۶۰ هزار (لایپزیگ، ۱۸۱۳) در اوایل قرن نوزدهم. بسیج مردم در خدمت حکومت، که عملاً تجسم خود حکومت و کشور بودند. نقطه عطف و یک پیش آگهی از نبردهای ملی عصر صنعتی بود که پس از آن رخ دادند، ونقطه اوج آنها جنگهای جهانی اول و دوم بود. از نظر ناپلئون، مردم به وضوح «موتور جنگ» تلقی می‌شدند.

مفهوم لغوی جذب نیروهای مردمی، که اشاره به سربازگیری انبوه دارد، به خوبی شناخته شده است. اما مفهوم دوم آن؛ یعنی خیزش و قیام، در توضیح تغییر پارادایمی که اکنون در حال وقوع است، نقش بسیار مهم‌تری دارد. اگر سربازگیری هدف بود، ایجاد باور به آن هدف، یک وسیله بود. آموزش و ایدئولوژی به جذب مردان جوان در ارتش و پشتیبانی گسترده مردم از نبرد کمک می‌کردند. مردم فرانسه جذب، رادیکالیزه، تعلیم یافته و سازماندهی شده بودند تا انقلاب را حفظ و در جنگهای آن شرکت کنند. تصادفی نیست که ظهور نبردهای توده‌ای با تنوع انفجار گونه وسایل ارتباطی به خصوص رشد چشمگیر در تعداد نشریات عمومی مانند مجلات، روزنامه، جزوه‌ها و سایر اشکال ادبی موقت، همزمان شد. بدون ارتباطات مردمی در حال گسترش و چشمگیر، بسیج مردم هیچ موفقیتی نمی‌توانست به دست آورد.

دنیای نشر در فاصله سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۳ مقررات زدایی شده که نتیجه آن آفت سریع در انتشار کتب و همزمان با آن افزایش جدی در تعداد اشکال موقتی‌تر، در دسترس‌تر و ارزان‌تر ارتباطی بود. سانسور مکتوبات ممنوعه، به خصوص کتابهای به اصلاح فلسفی هم از میان رفت. گسترش ایدئولوژی روشنگری در نتیجه این حالت، عامل

1. Wagram.
2. Brodino.
3. Leipzig.

محرك تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تبادل عمومی گسترده و آزادانه اندیشه‌هایی بود که در رژیم گذشته غیر قانونی بود. بازار فوق‌العاده رقابتی و پرآشوب نشر که حاصل این پدیده بود، به سمت تأکید روی نشریات با متن مختصر، دوره تولید اندک و نیازمند به سرمایه کمتر با هدف ورود به یک بازار گسترده‌تر و کسب منفعت سریع، حرکت کرد. در دوران انقلاب فرانسه، تعداد نشریاتی که در پاریس منتشر می‌شدند از چهار به حداکثری معادل ۳۳۵ رسید. تعداد دستگانه‌های چاپ چهار برابر و تعداد ناشران و فروشندگان هم تقریباً سه برابر شد و از این طریق، اندیشه‌ها با استفاده از آزادترین و ارزان‌ترین وسایل ارتباطی ممکن، با توجه به محدودیتهای فن‌آوری موجود در آن زمان، منتشر می‌شدند.

بدین ترتیب مقررات زدایی از مطبوعات باعث دموکراتیزه شد ارتباطات شد. نتیجه این عمل یک بسط چشمگیر عمودی، افقی و زمانی بود؛ زیرا ارتباط بیشتری میان طیف گسترده‌تری از مردم، که برخی از آنان حتی قادر به خواندن مطالب مکتوب نبودند، برقرار شد. در استانها، سنت قدرتمند خواندن متن با صدای بلند در منازل یا مراسم عبادی رشد و گسترش یافت. سنت شفاهی هم مشتمل بر تعداد زیادی ترانه بود. که چاپ و توزیع یا فقط شنیده و تکرار می‌شدند. ترانه‌های مشهور مانند «مار سیز^۱» موجب پدید آمدن وحدت و نوعی حس هویت جمهوری خواهانه شدند. تصاویر انقلابی هم فوق‌العاده مهم بودند. تصرف «باستیل^۲» توسط مردم پاریس در ۱۴ ژوئیه سال ۱۷۸۹ در انبوهی از روزنامه، جزوه‌ها و تصاویر کننده کاری شده به تصویر کشیده شد. این تصاویر نمادین قدرتمند روی اسکناس، سربرگ نامه‌ها، تمبرها، کارتهای عضویت، تقویمها و حتی کاغذهای دیورای و بازی‌های کودکان ظاهر شدند. ارتباطات، محور شکل‌گیری و توسعه هویت ملی و یک حس شور و شوق در میان مردم بود، که انگیزه تلاش و مبارزه برای هدفی بزرگ‌تر پیدا می‌کردند.

نقش دهقانان فقیر فرانسوی در حمایت از انقلاب و حضور در نبردهای آن، محور قدرت ارتش مردمی بود. شرکت مشتاقانه مردان کارگر فرانسوی، که پیش از آن از حق

1. Marseillaise.
2. Bastille.

شهروندی محروم بودند، یک تحول حیاتی در سازماندهی جنگ بود. طیف بی سابقه ارتباطات موجب تحول در افراد طبقات پایین جامعه فرانسه و تبدیل آنان به «مردم» و صاحبان حکومت مردمی شد. ارتباطات امکان ایجاد آگاهانه یک هویت ملی را هم فراهم آوردند؛ از تمرکز روی جنگ در خدمت اشراف محلی، ساکنان قلمرو فرانسه، خود را به نوعی به یک واحد مبارز متمرکز و انگیزه دار بدل ساختند. مردم فرانسه بر این باور بودند که برای آزادی و علیه ظلم، برای انقلاب خود و علیه قدرت پادشاهی می جنگند. البته بمباران اطلاعات از بالا و درون نیز موجب انسجام این باور شد. در این نقطه اوج تغییر اجتماعی، سیاسی و نظامی، ملت و ارتش فرانسه با هم یکی بودند.

سخن کارل فون کلازوتیز در تبیین جنگ به عنوان تداوم سیاست «با مخلوطی از مفاهیم دیگر»، حداقل بخشی از توصیف فرایند خارق العاده بسیج مادی و ایدئولوژیکی توده‌ها برای جنگ در خدمت جمهوری فرانسه بود. درست است که بسیج نظامی در فرانسه یک موفقیت فوری و حیرت آور نبود و مستلزم سعی و خطا در سازماندهی بود، اما با کنار هم گذاشتن عناصر نو و کهنه، به تدریج احساس شدند. کتاب «درباره جنگ» کلازوتیز اساساً یک رساله فلسفی به سنت هگلی بود، که عناصری از تداوم تغییر را بررسی می کرد و برای دستیابی به پدیده مرکب جدیدی کوشش داشت. اما او تأکید می کرد که جنگ را تنها در شرایط سیاسی، اجتماعی و تاریخی آن می توان درک کرد. حتی با آنکه او درک می کرد بسیج عظیم فرانسویان که او شاهد آن بود شاید لزوماً الگویی برای جنگهای آینده نباشد، با این حال نیروهای سیاسی را که ناپلئون به خدمت گرفته بود تشخیص داد و اهمیت بیشتر آنها را درک کرد.

«بسیج اینترنتی» در حال ظهور

ارتشهای امروزی غربی با ابزار و اهدافی برای بسیج نیرو مواجه شده‌اند که با آنچه در عصر ملی گرایی انقلابی حاکم بود واگرایی دارد. فرایند در حال پیشرفت کنونی، با پیوند ذاتی خود با تغییرات در ارتباطات و روایت ایدئولوژیکی خود و حتی به کارگیری ابزارهای اختصاصی، جانشین تاریخی قیام مردمی در قلب تغییراتی است که کلازوتیز مشاهده کرد. بسیج قرن بیست و یکم اکنون به جای حرکت به سمت حالت صنعتی

شدن، به تداوم جناح بندی خشونت، بازگشت به اشکال انفرادی، دارودسته‌ای و فئودالی جنگ کمک می‌کند.

یک تحول بسیط اجتماعی و سیاسی از طریق ارتباطات معمولی که به افراد آسیب پذیر دسترسی دارند و عامل تسهیل تغییر در خشونت هستند، در حال وقوع است. تمرکز خاص برنامه‌ریزان نظامی بر روی استفاده از ابزارهای سطح بالا برای تداوم و پیوستگی تاکتیکی، آنان را از این نکته غافل کرده که آنچه در حال ظهور است یک تحول گسترده مساوات‌گرایانه است که بیشتر با گسترش سریع انتشارات و چاپ که عامل تسهیل وقوع و استحکام انقلاب فرانسه بود ربط دارد تا پیشرفتهای فن آوری سطح بالای نظامی در اواخر قرن بیستم. ما در آستانه یک دوران جدید قرار گرفته‌ایم، که آماده بهره‌برداری به شیوه‌های غیر قابل پیش‌بینی و مقتدرانه هستیم. ملت‌های غربی همچنان تغییرات بنیادین در بسیج مردمی را نادیده خواهند گرفت و این به ضررشان تمام خواهد شد.

مشابتهای متعددی را می‌توان در کنار سالهای انقلابی پایان قرن هجدهم ترسیم کرد، از آن جمله: دموکراتیزه شدن ارتباط، افزایش دسترسی عمومی، کاهش شدید هزینه، رشد فراوانی و بهره‌برداری از تصاویر برای درست کردن یک روایت بسیج کننده. هر یک از این موارد را به ترتیب در ذیل بررسی خواهیم کرد.

اولاً؛ ابزارهای ارتباطی امروز از یک فرایند مقررات زدایی و دموکراتیزه شدن، مشابه آنچه در پایان قرن هجدهم در فرانسه رخ داد، عبور کرده‌اند که نتیجه آن گسترش انفجاری ارتباطات بدون کنترل در سطح جهانی بوده است.

مطبوعات دوران انقلاب در یک خلأ نهادی شکل گرفتند، بدون حق تکثیر انحصاری، بدون قواعد نشر یا روزنامه‌نگاری، بدون وجود مفهوم مالکیت فکری، بدون قوانین ممانعت یا مجازات افترا یا ارزیابی اطلاعات. گرچه کشورهای نظیر چین و سنگاپور اخیراً سانسور فوق‌العاده بحث‌انگیزی را در مورد اینترنت اعمال می‌کنند، اما خوب یا بد، وضعیت کنونی فضای سبیرنتیک را به سختی می‌توان با دوران گسترش انتشارات به دنبال مقررات زدایی در مطبوعات فرانسه، مقایسه کرد. چارچوبها یا استانداردهای نهادینه محدودی در شکل دهی به فضای سبیرنتیک نقش دارند و پتانسیل گسترده سیاسی این عرصه جدید تنها اندکی تحلیل یا فهمیده شده است.

ثانیاً؛ افزایش قابل توجهی در دسترسی عمومی به اطلاعات ایجاد شده است. اینترنت در دوران اوج جنگ سرد طراحی شد برای آنکه متکثر، غیر متمرکز، پایدار و دارای قابلیت بقا در صورت وقوع یک حمله هسته‌ای باشد.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، کنسرسیوم شبکه فراگیر جهانی پدید آمد تا گسترش ارتباط در سطح جهانی را تسهیل کند، که در این مورد، فوق‌العاده موفق بوده است. در سرتاسر دهه ۱۹۹۰، استفاده از اینترنت هر سال حداقل دو برابر شد. گرچه اخیراً این روند اندکی کند شده است، اما ارتباطات جهانی همچنان در حال رشد است. هم‌اکنون بیش از یک میلیارد نفر در جهان از اینترنت استفاده می‌کنند و بیشترین آنان ساکنان چین هستند.

دسترسی عمومی به شبکه، امتیازهای ساختاری عدم تمرکز و قابلیت بقا را در اختیار مردم عادی قرار می‌دهد؛ از جمله: انواع مشاغل، سازمانهای غیردولتی و گروههای حمایتی. اما این امتیازها در اختیار شبکه‌های تبهکاری، گروههای مجرم، تروریستها، قاچاقچیان و شورشیان هم قرار دارند. ترکیبهای مؤثر فن‌آوری‌های جدید، مانند لپ‌تاپ و DVD، همراه با فن‌آوری‌های قدیمی، مانند نوار ویدیویی و تلفنهای ماهواره‌ای، کارگروههای سیاسی و اجتماعی را که ایدئولوژی‌های جدیداً قدرت گرفته را ترویج می‌کنند، آسان‌تر کرده‌اند. نتیجه این امر، بروز یک هرج و مرج خلاقانه است، انباشته از فرصتهای جذاب و در عین حال آبدستن تغییرهای غیر قابل پیش‌بینی و آثار واقعی به خصوص در زمینه جنگ.

ثالثاً؛ اینترنت و فن‌آوری‌های مرتبط با آن، نمود همان نوع ارتباطات کم‌هزینه و بسیار منظم و قاعده‌مندی هستند که در دروان انقلاب فرانسه محبوبیت داشتند. با آنکه مناطق وسیعی از جهان همچنان فاقد امکان دسترسی به کامپیوتر هستند، رشد ارتباطات در جهان در حال توسعه اکنون نمایانگر نیروی کلیدی حامی گسترش جهانی اینترنت است. البته، بسیج اینترنتی لزوماً با تعداد افراد روی شبکه همبستگی ندارد؛ در شرایطی که ارتباط و دسترسی محلی و منطقه‌ای محدود باشد، دسترسی افراد و گروههای کوچک به شبکه آنها را صاحب اقتداری نامتناسب با جایگاهشان می‌کند. تلفنهای همراه ماهواره‌ای در کشورهای فاقد زیرساخت ثابت برای تلفنهای سیمی، از مقبولیت خاصی برخوردارند. در

سال ۲۰۰۲ سرانه تلفنهای همراه در سطح بین‌المللی برای نخستین بار از سرانه تلفنهای سنتی فراتر رفت. مخاطب امروزی می‌تواند منابع اطلاعاتی خود را از میان تعداد حیرت‌آوری از گزینه‌های انتخاب کند: وبلاگ‌ها، جزوه‌های انقلابی امروزند؛ وب سایت‌ها، روزنامه‌های جدید هستند و فهرستهای خدمات موجود، نقش اعلامیه را ایفا می‌کنند.

رابعا؛ بسیج اینترنتی امروزی، مانند سلف خود، از تصاویر قوی برای ارسال پیام استفاده می‌کند، حتی به کسانی که سواد خواندن ندارند. مثالهای بیشماری در این مورد وجود دارند. شیوه‌های بسیج و جذب نیروی القاعده غالباً به عنوان مثال ذکر می‌شوند؛ به جای تصاویر چاپی تصرف زندان باستیل، تصاویر منتقل‌کننده پیام القاعده، تصاویری از اسامه بن لادن در یک غار، جمله به مسلمانان در چین و بوسنی، سوزاندن اجساد توسط آمریکایی‌ها در افغانستان و حملات بریتانیایی‌ها به غیر نظامیان در عراق هستند. به منظور نشان دادن تهور و جذب طرفدار، ابومصعب الزرقاوی هم تصاویری از گردن زدن‌ها، آموزش بمبگذاران انتحاری، نمایش زنده حملات در عراق و یک مجله ماهانه را در سایت خود قرار داده است. ویدئوی زرقاوی، را می‌توان از روی اینترنت پیاده و ضبط کرد و حتی روی یک تلفن همراه نشان داد. DVDها و ویدئوهای پیاده شده از روی اینترنت یا دست به دست شده میان افراد حتی در آن سوی مرزها، حاوی تصاویری از حملات و سخنرانی‌های آتشین هستند.

پایین بودن آستانه هزینه‌ها بر هر دو طرف عرضه و تقاضا در بسیج اینترنتی تأثیر می‌گذارد. دسترسی به اینترنت پرسرعت، روز به روز بیشتر می‌شود و ابزارهای ارزان برای تولید ویدیوهای با کیفیت بالا، با بهنای باند بیشتر، بهبود روشهای فشرده‌سازی ویدیو و تدوین بهتر ویدیویی، منجر به تولید فیلمهایی با کیفیت بسیار بالاتر شده‌اند. نتیجه چنین تلاشهایی یک اسطوره‌شناسی قوی در مورد برنامه‌های ضد مسلمانی و یک تصویر رماتیکیک شده از مقاومت جهانی در برابر غرب است.

به رغم تفاوت‌های آشکار در اهداف، داستانهای ایشار و از خود گذشتگی سربازان بسیج شده در دوران انقلاب فرانسه، در سخنان شورشگران بازتاب یافته‌اند. برای مثال در دوران انقلاب فرانسه فرقه‌ای موسوم به «شهیدان آزادی» وجود داشت که به تحسین

قهرمانان کشته شد. چون باراً^۱، پسری ۱۲ ساله که در هنگام نبرد در کنار ارتش جمهوری خواه در جنگ داخلی در وندی^۲ کشته شد، همت گماشته بودند. کشته شدن پسر ۱۲ ساله فلسطینی به نام محمد الدوره بازتاب امروزی آن است. تبلیغات نظامی در دروان انقلاب فرانسه بر اشتیاق سربازان به مرگ تأکید می کرد. سربازان با خون خود «ملاط بنای حاکمیت مردم» را فراهم آوردند و آنها که مردند به جاودانگی رسیدند: «مردی که در راه خدمت به سرزمین پدران خود می میرد، می افتد و بر می خیزد. زنجیرهای او پاره شده اند. او آزاد است؛ او پادشاه است و بهشت را به دست می آورد».

توازی این سخنان با آنچه امروز در مدح مهاجمان انتحاری گفته می شود، بدیهی است. روایتهای شخصی از بی عدالتی، مبارزه و ایثار، از جمله قدرتمندترین محملهای بسیج در هر فرهنگی هستند و امروز این روایتها به صورت فعال از طریق شبکه اینترنت منتشر و ترویج می شوند.

از آثار ارتباط، نه تنها به گسترش دسترسی، بلکه عملاً به تغییر مفهوم دانش، معیارها برای قضاوت در مورد ادعاها و تبیین عقاید هم می توان اشاره کرد. با افزایش روزافزون تعداد کاربران شبکه، روی ناخوشایند آزادی بیان و در واقع؛ آزادی اندیشه، نمایان شده است. در حقیقت چه چیز در شبکه معتبر است؟ عقاید چه کسی مشروعیت دارد؟ چه چیز ارزش مبارزه دارد؟ همانند دوران انقلاب فرانسه، فرضها در مورد پاسخ به این پرسشها، در مورد اینکه چه صلاحیت پاسخ دادن به آنها را دارد و چگونه آثار مهمی خواهند داشت.

در کنار فعالیت فزاینده اقتصادی جهانی که از مرزهای بی در و پیکر فراتر می روند، اطلاعات انبوه موجود روی اینترنت، لوحهای فشرده (CD)، نوارهای ویدیویی، نوارهای صوتی و تلفنهای ماهواره ای در اغلب جاها در حداقل ممکن کنترل می شود و در دسترس کسانی است که حتی قادر به خواندن متن نیستند. نتیجه، دسترسی به مقطعی گسترده تر، کم سوادتر و متنوع تر از جمعیت جهانی، در مقایسه با ابزارهای مرسوم در قرن بیستم است و پیامدهای دراز مدت آن شاید یک عصر جدید روشنگری یا بازگشت به قرون تیره و تاریک جهالت باشند.

1. Barra.
2. Vendee.

پیامدها برای جنگ

فرض نخست غرب در آزاد کردن ارتباطات جهانی آن بود که نتیجه طبیعی این پدیده، گسترش مفاهیم دموکراسی غربی خواهد بود. البته این فرض تا حدی هم محقق شد. جمع بین تلفنهای ماهواره‌ای و اینترنت، کار انواع گوناگونی جنبشهای گوناگون دموکراتیک را از جمله: انقلاب صورتی^۱ در گرجستان، انقلاب نارنجی^۲ در اوکراین، به قدرت رسیدن گلوریا ماکاپاگال آرویو^۳ به عنوان رئیس جمهوری فیلیپین، تظاهرات ضد جهانی سازی توسط گروههایی مانند اقدام مستقیم و بسیاری دیگر از انواع حرکت‌های مردمی آسان کرد. یک عامل قدرتمند دیگر انگیزش در سالهای پس از جنگ سرد این باور بود که دموکراسی‌ها با هم نمی‌جنگند. با گسترش ارتباط، دسترسی فزاینده‌ای به ایده‌آلهای حکومت لیبرال، سقوط رژیم‌ها و کاهش طبیعی جنگها، ممکن خواهد شد. اما متأسفانه ابزارهای دموکراتیک متضمن اهداف دموکراتیک نیستند. با ابزارهای جدید مانند مطبوعات، تلویزیون، یا رادیو هم می‌شد از ظلم و خشونت به اندازه تغییرهای دموکراتیک حمایت کرد. عصر جدید ارتباطات یقیناً یک شمشیر دو لبه است.

ویژگی در حال تکوین ارتباطات امروز، همانند پدیده جذب نیروهای مردمی، تغییر دادن الگوهای بسیج مردمی است: هم ابزارهای مشارکت و هم اهداف نبردها تغییر می‌کنند. از همه مهم‌تر، این پدیده امکان جذب، آموزش، متقاعد نمودن و انگیزه‌دار کردن افرادی را فراهم می‌آورد که می‌خواهند درگیر خشونتهای قدیمی در دنیای واقعی شوند نه اقدام به حملات سایبرنتیکی با تکنولوژی بالا که بسیاری از سیاستمداران آمریکایی به شدت روی آنها متمرکز شده‌اند. بسیج امروزی ممکن است گردآمدن انبوهی از سربازان را که سراسر قاره اروپا را در نوردند. در پی نداشته باشد، اما موجب ظهور یک خیزش زیر زمینی و پنهانی می‌شود که آثار قابل توجه آن هر روز در میدان نبرد به نمایش در می‌آیند.

برای مثال، اینترنت رابطه‌ای تنگاتنگ با شورش و نافرمانی در عراق دارد. حملات شورشیان به صورت منظم با قراردادن جزئیات عملیاتی، پذیرش مسئولیت عملیات و راهنمایی برای موفقیت تاکتیکی، روی شبکه دنبال می‌شوند.

1. Rose Revolution.
2. Orange Revolution.
3. Gloria Macapagal Arroyo.

کسانی که از اتاقهای گپ شورش‌ها استفاده می‌کنند اغلب توسط میزبانان تحت نظر قرار می‌گیرند و اگر مستعد جذب شدن باشند، از طریق پست الکترونیکی با آنها تماس گرفته می‌شود. در سایتهای شورشیان همه چیز پیدا می‌شود؛ از اطلاعات علمی برای سفر به عراق تا شکارهای تقویت کننده روحیه برای کسانی که درگیر مبارزه شده‌اند. ویدئوهای کشتار توسط «تک تیرانداز بغداد» یا «جوبا» که گفته می‌شود ۱۳۴ سرباز آمریکایی را کشته و ۵۴ سرباز را مجروح کرده است، روی شبکه اینترنت قرار داده شده‌اند. بسیج اینترنتی از هم اکنون چهره جنگ را عوض کرده و پیروزی در عراق را برای ایالات متحده بسیار دشوارتر ساخته است و این پتانسیل را دارد که در بروز جنگهای بیشتری میان کشورها در قرن بیست و یک به نقطه اوج ایفای نقش خود برسد. درست همان طور که تلفن، تلگراف و رادیو سرانجام فن آوری‌های ضد خود را در زمینه کشف رمز، پایش، رهگیری و شنود به دنبال داشتند، آمریکا به تدریج پتانسیل راهبردی این ابزارها و وسایل را تشخیص داده و تازه شروع به نشان دادن واکنش مؤثر در برابر آنها کرده است. اغلب تلاشهای آمریکا روی مقابله با آثار علمی و لجستیکی آنها، شامل جذب کمک مالی به شورشیان از طریق شبکه، ممانعت از کاربرد اینترنت برای هماهنگی لجستیکی، مداخله در ارتباطات و ردیابی اظهارات، بیانیه‌ها و سایتهای اینترنتی متمرکز شده‌اند.

این فعالیتهای ضروری مستلزم گردآوری اطلاعات، پایش مستمر، ارائه اطلاعات غلط و ایجاد وقفه می‌باشند، اما هنوز در مرحله جنینی هستند و چشم‌انداز محدودی دارند. امکانات به نسبت محدود جامعه اطلاعاتی نمی‌تواند تمامی پیامدهای بسیج مادی و ایدئولوژیکی در حال وقوع را تحت پوشش قرار دهد. تشابهات مفروض با پدیده جذب نیروهای مردمی در اینجا باید ما را به تأمل وا دارد.

اما خبر خوب آن است که این ارتباط می‌تواند وسیله‌ای را برای مقابله با این ابزارها به منظور بسیج در راه اهداف رادیکال نیز فراهم کند، البته اگر غرب آگاهانه وارد یک حرکت گسترده مقابله با بسیج (از این طریق) شود. در مجموع، میزان ارتباط در

1. Baghdad Sniper.
2. Juba.

کشورهای دارای جوامع آزادتر، بسیار بالاتر است. این موضوع باید ابزاری بسیار سودمند برای ایالات متحده باشد؛ ابزاری که سازمانهای نظامی غربی در استفاده از آن برای خود مهارت دارند. اما در حال حاضر پیامدهای امنیتی ارتباط، بحث انگیزتر از آن هستند که بتوان آنها را به صورت جدی تحلیل کرد. آمریکایی‌ها فعلاً بیش از هر چیز، نگران منافع اقتصادی شبکه‌اند و اینکه چه کسی آن را کنترل کند؛ در مورد محدودیتهای آزادی بیان و اینکه چه کسی آنها را تعیین کند بحث می‌کنند؛ مایلند تأثیر آنچه روی شبکه ظاهر می‌شود را نادیده بگیرند، حتی هنگامی که در دنیای واقعی، معنای آن کشته شدن مردم باشد. اینترنت بری امنیت ایالات متحده اهمیت حیاتی دارد؛ نه تنها به دلیل محوریت آن در اقتصاد آمریکا، بلکه به دلیل نقش نه چندان بدیهی آن در به حرکت در آوردن دوستان و دشمنان ما. حکومت می‌تواند ابزارهای بسیج مردمی را اصلاح کند و در اختیار بگیرد، اما تنها در صورتی که به نیازهایی چون درک آنها، واکنش به آنها و به کارگیری آنها جدی‌تر توجه کند.

نتیجه گیری

ایالات متحده به یک ضد بسیج نیاز دارد. به اصطلاح؛ نبرد اطلاعاتی و دیپلماسی علنی نمی‌تواند محدوده این تغییر و جا به جایی را مشخص کنند. با توجه به تحولات امروز در زمینه تاریخی آنها، باید از محدوده نزدیک بینانه فرهنگی خود فراتر رویم و به تحلیل ابزارها و اهداف بسیج مردمی و تأثیرگذاری بر آنها بیشتر توجه کنیم.

ما نباید چنان عمل کنیم که گویی بسیج بعد از جنگ وجود ندارد؛ زیرا اکنون تاوان بی میلی خود به رویارویی با آن را می‌پردازیم. بسیج یک عنصر بسیار مهم است، نه فقط از نظر تعداد سربازان، بلکه مهم‌تر از آن؛ در ایجاد روحیه خشونت و تغییر دادن روایت مبارزه. انقلاب اطلاعاتی فقط نحوه مبارزه مردم را تغییر نمی‌دهد، بلکه شیوه تفکر و هدف مبارزه آنان را هم عوض می‌کند. غرب در اوج اشتیاق ساده لوحانه خود به خاطر عصر اطلاعات، کنترل ماجرا را از دست داده است و نمی‌تواند آن را به نحو مؤثری تحت نظارت دائم داشته باشد یا حتی عواقب آن را به صورت جدی ملاحظه کند.

در اواخر قرن بیستم، ارتباطات رسانه‌ای در ارتش امکان حرکت به سوی درگیری هماهنگ شده را فراهم آورده و ایالات متحده فرض کرده است که این فرایند در یک مسیر خطی به سمت هجومهای همزمان انبوه نیروها بیش از پیش اصلاح خواهد شد. در عوض، مسیر این تحول، بازگشت به سوی نقش فرد دارای انگیزه مشترک با افراد نظیر خود، که اکنون اطلاعات بیشتری دارد؛ انگیزه او برای حمله بیشتر است و سلاحهای متعارف قدرتمندتری در اختیار دارد تا با آنها خسارت و آسیب بیشتری وارد آورد، بوده است. نتیجه، تغییر برتری نسبی در سطح فردی است که برای مثال با افزایش نقش حملات انتحاری در جنگ خود را نشان می‌دهد. امروز در زمینه اجتماعی و سیاسی، تمرکز روی تغییرات سازمانی و دکترین نظامی مانند ایجاد شبکه ارتباطی و هجوم گسترده، کافی نیست. در دراز مدت، هجوم گسترده‌ای که واقعاً کارایی دارد، بسیج مردمی جهانی در مقیاس وسیع است.

آیا ایالات متحده اهمیت ارتباطات و پیامدهای آن را برای جنگ تشخیص خواهد

داد؟ اظهار نظر در این مورد دشوار است. بخش اعظم ماجرا به هوشمندی رهبران مابستگی دارد. جومینی^۱ امروز مدافع نبرد هجومی و شبکه محور خواهد بود. کلازوتیز امروز پیامدهای راهبردی تغییرات وسیع اجتماعی، ایدئولوژیکی و سیاسی ناشی از بسیج اینترنتی را تحلیل خواهد کرد. موفقیت در مهار این عناصر و استفاده از آنها کلید برتری در نبردهای آینده است.



1. Jomini.